



مشکلات پیش روی رییس جمهور جدید

محمد صادق امینی

از دوران ریاست جمهوری "جرج بوش" رییس جمهور آمریکا کمتر از یک سال باقی مانده است و مردم این کشور از هم اکنون شاهد مبارزات انتخاباتی گسترده نامزدهای احزاب دموکرات و جمهوری خواه در این کشور می باشند. هر چند که مردم آمریکا در حال حاضر بیشتر توجه خود را به سخنان و برنامه های انتخاباتی روسای جمهوری آینده معطوف کرده اند، ولی آنچه در این میان حایز اهمیت است میراثی است که بوش برای رییس جمهور بعد از خود باقی گذاشته است. آنچه در ادامه می خوانید مقاله ای است که "فرید زکریا"

سردبیر هفته نامه نیویوریک در این خصوص منتشر کرده و در آن آمریکا را در دوران ریاست جمهوری بوش به "ابر قدرتی ترسو" توصیف کرده است.

در طول چند سال گذشته آمریکا به نوعی از سایر کشورهای جهان فاصله گرفته است. همه ی ما نتایج نظرسنجی های سالانه و آمار آن را می خوانیم ولی ایالات متحده آمریکا و سایر کشورهای جهان بر سر یک موضوع توافق دارند؛ اگر جرج بوش رییس جمهور فعلی آمریکا کاخ سفید را ترک کند، همه چیز بعد از خروج او از قدرت، بهبود خواهد یافت. این مساله ای است که اروپایی ها، آسیایی ها، تجار، روشنفکران و حتی کسانی که تمایلی به سیاست ندارند بر سر آن اتفاق نظر دارند. یک خارجی اخیرا به من گفته که ما

از آمریکا نفرت نداریم بلکه از بوش نفرت داریم، وقتی که دوران ریاست جمهوری او به پایان برسد همه چیز عادی می شود و دوران جدیدی آغاز خواهد شد. ولی آیا واقعا این طور خواهد شد؟ این پرسشی است که پاسخ آن در یک سال باقی مانده از ریاست جمهوری وی و هنگامی که رییس جمهور جدیدی وارد کاخ سفید می شود، مشخص خواهد شد. هیچ تردیدی در این خصوص وجود ندارد که سبک و ماهیت سیاست خارجی آمریکا در طول هفت سال گذشته سبب برانگیخته شدن مخالفت های شدید بین المللی علیه سیاست های آمریکا شده است. ولی آنچه شفافیت کمتری دارد این است که آیا این سبک و ماهیت خاص محصول دولت بوش است یا خیر. البته بخشی از واکنش های جهانی یقینا نتیجه تنش های قدیمی

مرد سیاهی که به کاخ سفید می اندیشد

گروه بین الملل

باراک اوباما، سیاستمدار جوانی که به خوبی در رقابت های انتخاباتی آمریکا درخشیده، توانسته به سبب خوش صحبتی و توانایی اش در تحت تاثیر قرار دادن مردم به خوبی خودش را در جامعه ی آمریکا مطرح کند. هر چند که هنوز بسیاری از آمریکایی ها مخالف هستند که یک زن یا یک سیاه پوست رییس جمهور آنها شود، ولی بسیاری از کارشناسان بر این باورند که این سناتور جوان می تواند اولین رییس جمهور سیاه پوستی باشد که پا به کاخ سفید می گذارد.

اوباما کیست؟

باراک حسین اوباما در سال ۱۹۶۱ میلادی متولد شده است. او به تبعیت از نام پدرش که در کنیا به کار کادماندی مشغول بود، نامگذاری شد. پدر او بعدها توانست بورسیه تحصیلی برای هاوایی را به دست آورد و به همراه خانواده اش جلائی وطن کند. پدر اوباما در هاوایی با مادر او آشنا شد و با این خانم اهل کانزاس ازدواج کرد. در آن زمان، مادر اوباما هم به همراه خانواده اش در هونولولو زندگی می کردند. در همین حال، وقتی باراک کوچک تازه راه افتاده بود و تاتی تاتی می کرد، پدر او موقعیت تحصیل در دانشگاه هاروارد را هم به دست آورد اما وضع مالی خانواده اجازه نمی داد که او به تمام اهداف مورد نظرش برسد. به همین جهت بود که پدر باراک، سرانجام به تنهایی به کنیا بازگشت و در آنجا به عنوان یک اقتصاددان به خدمت دولت درآمد. پدر و مادر باراک به این ترتیب از هم جدا شدند. وقتی باراک اوباما شش ساله بود، مادرش با یک برنامه ریز امور نفتی که اهل اندونزی بود ازدواج کرد و خانواده آنها به جاکارتا منتقل شدند. باراک به مدت شش سال در اندونزی زندگی کرد اما پس از آن به هاوایی رفت تا با پدر بزرگ

و مادر بزرگش زندگی کند و مدرسه هم برود. اکنون والدین باراک اوباما هر دو از دنیا رفته اند. این سابقه زندگی باراک اوباما باعث شده که حامیان او متقاعد شوند که این سناتور ۴۲ ساله می تواند نگاهی چند ملیتی و منصفانه نسبت به رای دهندگان و مردم آمریکا داشته باشد و حتی به میزان مسلولی، نظر رای دهندگان سیاه پوست و سفید پوست را جلب کند. حتی گفته می شود باراک اوباما توانایی خاصی برای برقراری ارتباط با ساکنان شهرهای بسیار کوچک و مناطق روستایی هم دارد و این خصیصه، ناشی از موقعیت خانوادگی او است. اوباما در کتاب خاطراتش با عنوان رویاهایی از پدرم که در سال ۱۹۹۵ میلادی منتشر شد به دوران کودکی اش و ملغمه نژادی خانواده اش اشاره کرده و می نویسد: "رنگ پوست پدرم شبیه بقیه آدم های دوروبرم نبود. او سیاه سیاه بود و مادرم پوست کاملا سفیدی داشت. اما در کودکی هیچگاه در معرض تبعیض نژادی قرار نگرفتم."

پس از دبیرستان، اوباما دو سال را در کالج اکسیدنتال در کالیفرنیا گذراند و سپس به کالج کلمبیا رفت تا علوم سیاسی با گرایش روابط بین الملل بخواند. پس از فراز و نشیب های تحصیل بسیار، باراک اوباما وارد عرصه رقابت های انتخاباتی شد و در سال ۱۹۹۶ میلادی، به عنوان سناتور ایالت ایلینوا انتخاب شد. در ژانویه سال ۲۰۰۳ میلادی، وی به عنوان رییس کمیته سلامت و خدمات انسانی سنا انتخاب شد. در این زمان، باراک اوباما مسوولیت برنامه ای را به عهده گرفت که از لحاظ مالی می توانست مردم طبقه فقیر جامعه آمریکا را یاری رساند. او حتی به تصویب قوانین کمک کرد که راه بیمه تامین اجتماعی و خدمات درمانی مردم، سهولت زیادی ایجاد می کرد. اوباما در برنامه تامین بودجه برای مقابله با ایلز هم نقش موثری ایفا کرد. در سال ۲۰۰۰ میلادی، باراک اوباما تلاش

در خصوص تسلط یک‌جانبه آمریکا است. وزیر خارجه فرانسه نیز آمریکا را در دوران ریاست جمهوری بیل کلینتون و نه جرج بوش ابر قدرت جهان توصیف می‌کند.

در واقع باید گفت آمریکایی‌ها از جهان جدیدی که در اطرافشان در حال شکل‌گیری است ترسیده‌اند. بنابراین طبیعی است که تا زمانی که جو ترس سیاست‌های آمریکا را فرا گرفته، در خارج از آمریکا نیز شاهد نتایج مشابهی خواهیم بود و آنها نیز تصور بدی از ما خواهند داشت، به همین علت این وظیفه‌ی واشنگتن است که با چنین احساس غیرمعمولی مبارزه کند.

آدولف هیتلر "از کاندیداهای مطرح جمهوری خواهان و شهردار سابق نیویورک در زمان حادثه ۱۱ سپتامبر دائمی این موضوع را تکرار می‌کند که آمریکا با دشمنی مواجه است که برای ضربه زدن به آن در همه جای جهان برنامه‌ریزی می‌کند. "میت رامنی" از کاندیداهای کناره‌گیری کرده انتخابات ریاست جمهوری نیز در این خصوص گفته است "برخی از مردم می‌گویند که ما باید زندان گوانتانامو را تعطیل کنیم ولی دیدگاه من این است که ما باید اندازه آن را دو برابر کنیم." جان مک کین نامزد جمهوری خواهان نیز گاهی اوقات موضوع بمباران ایران را مطرح می‌کند بدون توجه به این واقعیت که اگر چنین اتفاقی به وقوع بپیوندد، این سومین جنگ آمریکا علیه یک کشور مسلمان در هفت سال گذشته خواهد بود. این تصور که آمریکا امروزه در وضعیت خطرناکی قرار دارد، یک

تصور غیرمنطقی است. واشنگتن از سال ۲۰۰۱ با حمایت هر دو حزب جمهوری خواه و دموکرات به دو کشور حمله کرده و برای مبارزه با شبه نظامیان افراطی در اطراف جهان از سوما لی گرفته تا فیلیپین نیرو مستقر کرده است. واشنگتن حتی بودجه نظامی‌اش را بیش از ۱۸۷ میلیارد دلار افزایش داده به طوری که بودجه آن در حال حاضر بیش از مجموع بودجه نظامی کشورهای انگلستان، روسیه، هند و چین است. این در حالی است که دولت آمریکا حتی اقدام به تاسیس دپارتمان امنیت ملی کرده که سالانه بودجه‌ای بالغ بر ۴۰ میلیارد دلار هزینه آن می‌کند. با وجود مسایلی که به آن اشاره شد جولیانی چطور می‌تواند ژست تهاجمی به خود بگیرد و حمله به چندین کشور دیگر را مطرح کند؟

چالش‌هایی که ایالات متحده آمریکا امروزه با آن مواجه است از سوی سازمان‌های تروریستی کوچک و چند کشور مخالف آن ناشی می‌شود. امروز عدم تناسب در قدرت به این معنی است که گروه‌های کوچک می‌توانند خسارات بزرگی را به بار آورند ولی شرایط را باید از چندین لحاظ بررسی کرد، برای مثال هنگامی که جرج بوش از برنامه هسته‌ای ایران به عنوان مقدمه‌ای برای آغاز جنگ جهانی سوم یاد می‌کند، این تعجب را بر می‌انگیزد که آیا او اصلاً به این موضوع توجه کرده که بودجه نظامی ایران کمتر از یک درصد بودجه پنتاگون است؟ چالش‌های واقعی که ایالات متحده با آن مواجه است از بازندگان جهانی سازی ناشی نمی‌شود بلکه از ذی‌نفعان جهانی سازی

نشأت می‌گیرد. مشکلات آمریکا نه از بمب‌های دیروز بلکه از کارخانه‌های آینده است. پروژه دشوار رییس جمهور آینده ایالات متحده خارج کردن خاورمیانه از کانون توجه سیاست خارجی آمریکا و متمرکز کردن آن بر خاور دور است. هنگامی که تاریخ این دوران به رشته تحریر درمی‌آید بدون شک نگاه‌ها به جای جنگ در لبنان یا تنش‌ها بر سر ایران به رشد چین و هند و اینکه این کشورها چطور جهان را تغییر شکل داده‌اند، دوخته خواهد شد.

این جابه‌جایی قدرت اثراتی در تمام نقاط جهان خواهد داشت و پیچیدگی‌های خاص خود را به وجود می‌آورد. در چنین جهانی تقاضا برای انرژی و مواد خام افزایش خواهد یافت و کشورهای مثل ایران، ونزوئلا، روسیه و عربستان سعودی به کشورهای قدرتمندی تبدیل خواهند شد. بدین ترتیب رژیم سرمایه‌داری جهانی در حال تولید عوامل ضد سرمایه‌داری قدرتمند است. این در حالی است که در چنین جهانی به سبب تغییرات آب و هوایی، کمبود آب آشامیدنی و اراضی کشاورزی، گندم و سایر حبوبات مشکلات افزایش خواهد یافت. زندگی در چنین جهانی روند فشرده و پیچیده‌ای دارد که تمرکز و توجه هنگفتی می‌طلبد. در چنین جهانی بازیگران غیردولتی هر روز قدرتمندتر می‌شوند. در چنین جهانی منابع خبری از الجزیره گرفته تا شبکه NDTV هند گزارش‌های متفاوتی از رویدادهای جاری خواهند داد. به جهان بعد از آمریکا (Post American) خوش آمدید.

ناموفقی برای به دست آوردن کرسی مجلس نمایندگان آمریکا داشت. رقیب او در این راستا، "پلی راش" بود که توانست ۶۱ درصد آرا را در مقابل ۳۰ درصد آرا متعلق به باراک، به خود اختصاص دهد. پس از این شکست، او با بار دیگر تلاش‌های خود را به سنا متمرکز کرد. در مبارزات انتخاباتی سال ۲۰۰۲ میلادی، وی تقریباً بی‌رقیب بود.

وی در این زمان مشغول برنامه‌ریزی طرحی بود که پلیس را موظف می‌کرد پروسه بازجویی در خصوص جرایمی که مجازات آنها اعدام است را به شکل ویدیویی ضبط کنند. سوابق کاری باراک او با در سنا نشان می‌دهد که او قادر است به طور موثر با دموکرات‌ها و جمهوریخواهان کار کند و نظر آنها برای ائتلاف را جلب نماید. در همین راستا بود که باراک او با حمایت حتی توانست در جریان رقابت‌های انتخاباتی سنا، نظر گروهی از نیروهای پلیس را هم به خود جلب کند و افسران زیادی اظهار داشتند که حمایت طولانی مدت او با ما از معیارهای لازم برای کنترل اسلحه و تمایل او به مذاکره در این خصوص، برای پلیس اهمیت زیادی دارد و البته عده زیادی از افسران پلیس هم بودند که سیاست‌های او را نمی‌پسندیدند.

در جاده ریاست جمهوری

باراک او با رشته تحصیلی خود را علوم سیاسی در دانشگاه کلمبیا انتخاب کرد؛ اما پس از آن به شیکاگو رفت و سه سال به عنوان برنامه‌ریز مشغول به کار شد. در سال ۱۹۸۸ میلادی، او به مدرسه حقوقی هاروارد رفت و سپس به عنوان اولین رییس آفریقایی-آمریکایی در مرکز بازرینی قوانین هاروارد انتخاب شد. پس از آن،

